

۲۱ اکتبر ۲۰۰۹

در شعله شراب!



## در شعله شراب!

در بامدادها

در سرزمین گمشده‌ای بی‌نشان و نام

در مرز و بوم دور و پری‌وار یادها

در نوشند روز

در زهرخند جام

در چهره سراب

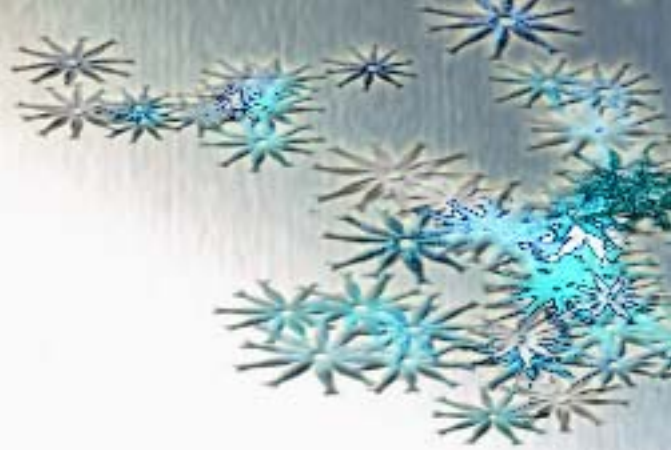
[...]

در هر چه هست و نیست

در هر چه بود و هست

در شعله شراب

[...]



آنکه کره خر آمد الاغ رفت»، مسلماً خوشبخت‌تر آنکه کره خر آمد و به دلیل دریافت گرین‌کارد و یک پول‌توجیبی بخور و نمیر همان کره‌خر مامانی هم ماند. باری در این بیانیه کسالت‌آور، خائنانه و یانکی‌پرستانه چنین آمده:

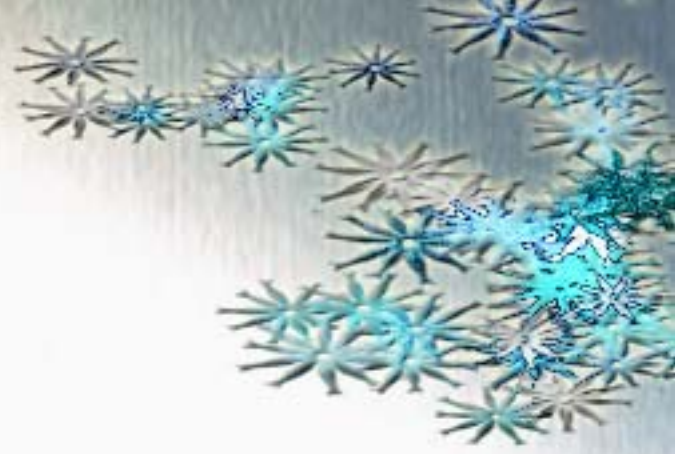
**«[خواست ما] برقراری یک نظام جمهوری پارلمانی دموکراتیک و سکولار که در آن یگانه‌مبنای مشروعیت حکومت رأی مردم [...] و طبعاً، جایگاه نهاد دین از حکومت جدا باشد.»**

نمی‌دانستیم جمهوری دموکراتیک «غیرسکولار» و فاقد «پارلمان» هم وجود دارد! به هر حال این پیشنهاد گوساله‌فريب و مزورانه تشکلی است که خود را به گزاف «اتحاد جمهوری خواهان ایران» نیز می‌نامد. تشکل کذا با تحریف آرمان‌های مشروطه پیرامون «جدائی دین از سیاست»، دقیقاً در راستای مزخرفات فوکویاما برای «دین ضداستبداد» تبلیغات به راه انداخته و شعار عوام‌فريب «جدائی دین از حکومت» را بجای آرمان مبارزان صدر مشروطه قرار می‌دهد. یادآور شویم، دین جدا از حکومت یعنی روحانی مستقل از حاکمیت، یعنی دخالت پیوسته و تلویحا «مجاز» دین و ارباب دین در سیاست. به حضرات باید گفت، اینبار اگر خواستید بیانیه صادر کنید این نکته پیش‌یافتاده را به یاد داشته باشید که مخاطبان بیانیه‌تان شیفته و فریفته یونجه‌زارهای ینگه‌دنیا و زندگی در جامعه قسط و قرض و «قوادی» نیستند!

اگر واقعاً طرفدار «جمهور» هستید بدانید که در یک نظام دموکراتیک، دین خارج از عرصه سیاست قرار می‌گیرد، نه خارج از حیطه و مسئولیت حکومت! برخلاف تصور اربابان شما، «روحانیت مترقی» وجود خارجی ندارد، و

فردا، ۲۲ اکتبر ۲۰۰۹، جرج بوش در هتل «کوئین الیزابت» برای‌مان از سال‌های درخشان ریاست جمهوری‌اش، و از چالش‌های آینده جهان سخن خواهد گفت! مسلم بدانیم دن کیشوت هزاره سوم نبرد بی‌امان خود را با سایه‌ها ادامه خواهد داد.

هر چه به پایان بحران دست‌ساز هسته‌ای نزدیک تر می‌شویم، پریشان‌گوئی و شارلاتانیسم ایرانی‌نمایان جیره‌خوار فاشیسم ابعاد گسترده‌تری می‌یابد. تشکلی که خود را «اتحاد جمهوری خواهان ایران» می‌نامد پس از مذاکرات اول اکتبر ۲۰۰۹ بین ایران و گروه «۵+۱»، بیانیه عوام‌فريبانه و مضحکی صادر کرده که در سایت عصرنو، مورخ ۲۹ مهرماه ۱۳۸۸ نیز انتشار یافته. صادرکنندگان این بیانیه چند کیلومتری پس از بافتن آسمان و ریسمان و حاشیه رفتن و سفسطه و مغلطه مذاکرات هسته‌ای را محکوم کرده‌اند، چرا که حقوق بشر در آن مطرح نشده! و از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که حقوق بشر به «هسته» ارتباط دارد، و اینکه «حضرات» جمهوری‌خواه، ایالات متحد را مدافع حقوق بشر می‌دانند. چنین ادعائی ثابت می‌کند که صادرکنندگان بیانیه کذا یا کور تشریف دارند یا خود را به کوری زده‌اند. چرا که اوضاع اسفبار عراق و افغانستان را ندیده و نمی‌خواهند ببینند. اینان وانمود می‌کنند که نمی‌دانند حکومت اسلامی جمکران همچون حکومت‌های اسلامی عراق و افغانستان دستپخت سازمان مقدس سیا است. از قدیم گفته‌اند، «خوشبخت



حقوقی و انسانی کسب کند. با رنگ و لعاب زدن به مزخرفات خمینی و تحریف آرمان‌های صدر مشروطه قصد استقرار کدام جمهوری «دمکراتیک» را دارید؟

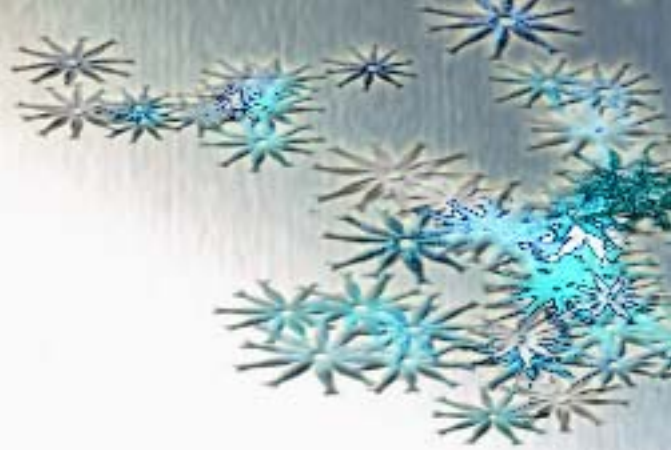
جمهوری دمکراتیک، خارج از چارچوب قوانین «انسان‌محور» نمی‌تواند موجودیت داشته باشد. در چنین حاکمیتی «رأی اکثریت ملت» فقط مبنای مشروعیتی حقوقی و قانونی قرار می‌گیرد که محور آن یعنی «رعایت حقوق مخالفان» مهم‌ترین لایه حقوقی و اجتماعی یک دمکراسی است. رأی تل موهومی به نام «مردم» نه دمکراسی است و نه جمهوری، یک فاشیسم کور و انسان‌ستیز است!

برخلاف تصور پادوهای بارگاه مقدس عموسام، شکاف ایجاد شده در حکومت توحش را با فاشیسم بومی، و پیشنهادات مضحک و گوساله‌فریبی نظیر «انتخابات آزاد» و «حقوق بشر ملت ایران» نمی‌توان پر کرد! برادر «مک‌فال» در محاسبات بسیار دقیق‌شان برای نشان دادن «فاشیسم بومی» بجای «فاشیسم دینی»، و تداوم دور باطل و احمقانه «شیخ و شاه» کمی تا قسمتی دچار اشتباه شده‌اند!

در راستای دمیدن در شیپور طاعون سبز، یعنی بازگشت به خط‌امام «روشن‌ضمیر» و ارزش‌های والای «انقلاب» که در «ستاد انتخاباتی» میرحسین موسوی اختراع شده، حاکمیت انگلستان هم با کمک «حناز چوبه»، الیزابت دوم را به میدان آورد. البته به بهانه انعکاس فتوی یک «مفتی» مفت‌گو که همچون خمینی دجال «قصد صدور» اسلام کرده، آنهم از طریق «دعوت» الیزابت دوم به دین مبین! مفتی مفت‌پرداز که از جمله لوطی‌ها و عنترهای جنجالی سیرک استعمار به شمار می‌رود، از

بهتر است بساط روحانیت مترقی و مرتجع را یکبار و برای همیشه تعطیل کنید. دین، در یک نظام دمکراتیک، انسان‌محور و حقوقی همواره یک ارتجاع خواهد بود، چرا که روحانی حامی احکام خداوند جاودان و غیرقابل تغییر است، و در هر حال پاسدار ارتجاع سنتی و قرون‌وسطائی باقی خواهد ماند. با مغلطه و ردیف کردن مهملات «اصلاح‌طلبان» و قراردادن‌شان در کنار مطالبات دمکراتیک نمی‌توانید شکاف ایجاد شده در حکومت روبه‌مرگ اسلامی را پر کنید! برخلاف بیانیه عوام‌فریبانه تشکل شما که نام «جمهورستیزان ایرانی‌نما» بیشتر به آن می‌برازد، «تقلب» اصلی همان برگزاری انتخابات در یک «تئوکراسی» است.

برخلاف بیانیه شما استبدادپرستان، در یک «جمهوری دمکراتیک» مبنای «مشروعیت» حکومت «رأی مردم» نیست! هیچ لزومی ندارد پس از سه دهه، مزخرفات خمینی را، آنهم به طور ناشیانه «بازتولید» کنید. خمینی هم می‌گفت «میزان رأی مردم است». در صورتیکه آنچه اهمیت دارد چارچوبی است که در آن «رأی افراد» به حکومت مشروعیت می‌بخشد. اگر این چارچوب یعنی قانون اساسی «دمکراتیک» نباشد، و جدائی دین از سیاست مد نظر قرار نگیرد، «رأی مردم» همان پوپولیسم خواهد شد. فقط موجودیت چارچوب قوانین انسان‌محور است که می‌تواند برای «رأی» فرد فرد یک ملت احترام و سندیت



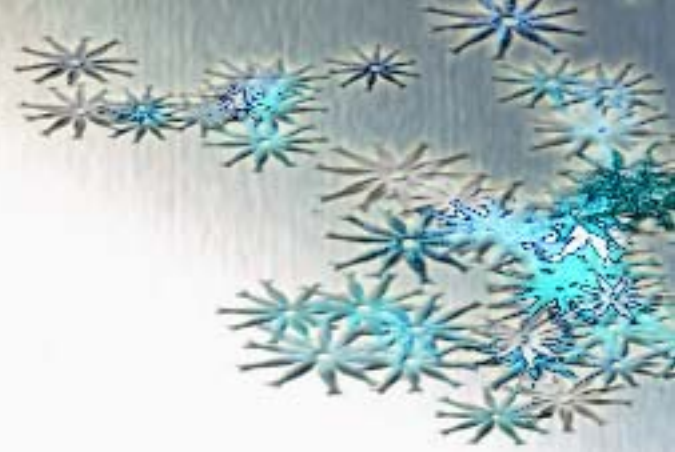
به «سنگرسازی» و «تهاجم» منجر خواهد شد. هدف از این تحرکات مزورانه «پرکردن» همان «شکاف» مطلوب است که با همکاری کل حکومت توحش جمکران پس از برگزاری افتضاحات خردادماه به همت موسوی و کروبی و دیگران ایجاد شده. به همین دلیل است که رهبران طاعون‌سبز با تأیید ساواک جمکران «مردم» را به حضور در خیابان و عربده‌جویی دعوت می‌کنند. هر چه تعداد تظاهرات افزایش یابد، دامنه انتشار شعارهای گوساله‌فریب وسعت بیشتری خواهد یافت و این امر باعث شتاب روند «عقیده‌سازی» می‌شود. در نتیجه ایجاد «اجماع» پیرامون شعارهای بومی آسان‌تر خواهد بود. پیش از ادامه مطلب لازم است در مورد انتخابات افغانستان توضیح مختصری داده شود.

در مورد ماجرای حمید کرزای دچار توهم نشویم! اگر پس از برگزاری مرحله دوم انتخابات در «جمهوری اسلامی افغانستان» باز هم کرزای به اکثریت آراء فرضی دست‌یابد، دو حالت ممکن است پیش آید. یا طرفداران عبدالله همچنانکه وعده داده‌اند با کلاشنیکف به خیابان‌ها می‌آیند و باز هم شاهد جنگ داخلی در کشور مصیبت‌زده افغانستان خواهیم بود، یا اینکه حمید کرزای به عنوان «برگزیده اکثریت» و «رئیس‌جمهور» محبوب و منتخب از مشروعیت قانونی به مراتب بیشتری برخوردار خواهد شد. در نتیجه آنگلو ساکسون‌های دو سوی آتلانتیک در کمال «استقلال» و «آزادی» تولید مواد مخدر در جمهوری اسلامی افغانستان را افزایش خواهند داد! بله دچار توهم نشویم! ایالات‌متحد و انگلستان و شرکای خرده‌پای‌شان برای تخریب و تاراج منطقه به

ملکه انگلستان خواسته در کشورش «انقلاب اسلامی» به راه اندازد و خودش هم مسلمان شود! این پروپاگاندا مهوع با کد: ۷۴۴۲۴۹ در حنازرجوبه، مورخ ۲۹ مهرماه ۱۳۸۸ انتشار یافته.

البته الیزابت دوم هیچ نیازی ندارد مسلمان شود، ایشان قلباً به اسلام ارادت فراوان دارند و نه تنها رهبر معنوی «اتحاد جماهیر نوکری»، که رهبر همه انقلاب‌های اسلامی یا همان کودتا‌های مردمی به شمار می‌روند. نیاکان‌شان هم دست‌درست ژرمن‌ها، از کودتای بلشویکی در روسیه تزاری و «شب‌کریستال» و ژنرال فرانکو و غیره حمایت صمیمانه کرده‌اند. چرا که حاکمیت بریتانیا، هر چند خود به سنت‌پرستی شهره آفاق است، همواره از گسست و «کودتای مردمی» در دیگر کشورها منتفع شده! به همین دلیل است که در ساخت و پرداخت «شعارهای مبهم» از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند.

این را گفتیم تا روشن شود که در ایران، شعار مبهم «آزادی» و شعارهای «بومی» در راستای تحقق پروژه استعماری مک‌فال پای به میدان گذاشته. برخلاف آنچه خلق‌الله می‌پندارند این شعارهای گوساله‌فریب هیچ تقابلی با استبداد و سرکوب‌ندارد، و به همین دلیل ساواک جمکران می‌کوشد پیرامون‌شان ایجاد اجماع کند. مرحله دوم اجماع همانطور که می‌دانیم «سربازگیری» است که به «رهبرسازی» و سپس



شده‌اند و اگر نظام کذا نباشد اینان باید به جایگاه واقعی خود یعنی همان سطل زباله بازگردند. دکان سه نیش «کانون مدافعان حقوق بشر» و «شورای عالی صلح» به منظور جلوگیری از فروپاشی نظام ایجاد شده.

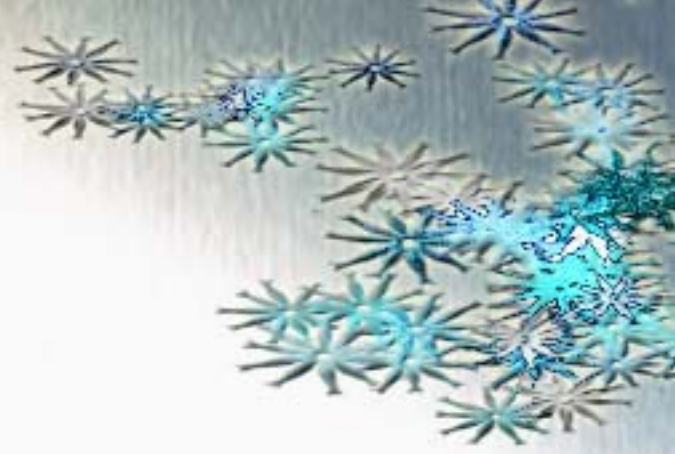
به گزارش بی‌بی‌سی، مورخ ۲۱ اکتبر ۲۰۰۹، به نقل از سایت «تغییر»، نمایندگان دفتر و دستک حاجیه عبادی روز دوشنبه، ۱۹ اکتبر با شیخ کروبی ملاقات کرده، از تحرکات قانون‌شکنانه این شیخ پلید تقدیر به عمل آورده‌اند. اعضای محفل عبادی همچنانکه بارها در این وبلاگ گفته‌ایم همواره مدافع «آشوب» و «قانون شکنی» بوده و این اعمال انسان‌ستیز را به حساب «دفاع از حقوق بشر» می‌گذارند. اینان به روال معمول اینبار هم لات‌بازی آخوند کروبی را «احقاق حقوق ملت ایران» دانسته از او خواسته‌اند به اوباش‌گری ادامه دهد. جالب اینجاست که حقوق‌بشرفروشان ضمن انتقاد از نقض قانون اساسی، تلویحا از مذاکرات هسته‌ای نیز ابراز ناخشنودی کرده‌اند!

گفتیم که سیاست اربابان حکومت اسلامی در لندن و واشنگتن تجهیز گورکن‌ها به سلاح هسته‌ای و تبدیل ایران به پاکستان دوم است، نه در جهت حفظ منافع ملت ایران. هدف این سیاست تهدید روسیه و تبدیل ملت ایران به سپربلای سازمان ناتو در برابر مسکوست. باری حضرات ضمن دیدار با کروبی برای «بازداشتی‌های تزئینی» حکومت از جمله عیسی سحرخیز و شرکاء نیز ابراز نگرانی کرده‌اند و خلاصه معلوم شد همگی از پیروان خط امام و نظام توحش بوده، همچون عبادی از بندگان حقیر درگاه گاوچران‌ها به شمار می‌روند. در گزارش «بی‌بی‌سی» آمده که کانون و شورای کذا به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ تشکیل شده،

افغانستان لشکر کشی کرده‌اند، و می‌بینیم که در این امر «خداپسندانه» موفقیت زیادی هم داشته‌اند. پس بهتر است بعضی‌ها برای استقرار دموکراسی در ایران، دست نیاز یا بهتر است بگوئیم دست خیانت به سوی آمریکا دراز نکنند!

آمریکا و اروپای غربی هرگز از استقرار دموکراسی در ایران حمایت نکرده و نخواهند کرد. اینان پشتیبان واقعی حکومت اسلامی و «اصلاح‌طلبان» آشوب‌طلب‌اند. کور که نیستید! ستاد انتخابات موسوی جلاد و کروبی شاید توسط اوباش‌الله ارسالی از انگلستان و فرانسه مدیریت می‌شد، حکومت جمکران هم در سکوت طی هفته‌ها شاهد و ناظر تحرکات قانون‌شکنانه اینان بود. پس از برگزاری مسابقات مارگیری هم مقام معظم چند روزی سکوت کردند، چرا که قطب‌نمای بصیرت‌شان از کار افتاده بود و منتظر بودند حکومت را به دست امام زمان بسپارند.

در کمال «تأسف» ناچار شدند با چشم‌گریان و با شعار «رعایت قانون» وارد معرکه شوند. سپس نوبت به عقب‌نشینی رهبران طاعون سبز رسید. موسوی مثل صفحه گرامافون که خط افتاده ذکر «خط امام» گرفت، و امروز معلوم شد که آخوند کروبی هم می‌خواهد «درون نظام» بماند! البته ما هم تردیدی نداریم که امثال کروبی خارج از طویلۀ جمکران هیچ جایگاهی نخواهند داشت. مقامات و نخبگان جمکران با دست مقدس استعمار از ناکجاآباد و زباله‌دان ویژه «نظام توحش» استخراج



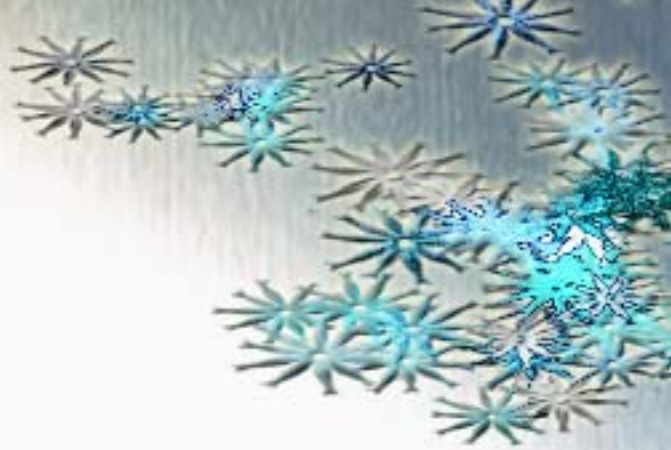
«آن‌ها» گفتند اصالت دادن به اراده مردم، به معنی اصالت دادن به انسان‌هاست که به مفاهیم حقوق بشری نزدیک است [آنان] پیشنهاد کردند که کمیته صیانت از آراء، [که توسط موسوی و کروبی تشکیل شده] به کمیته صیانت از حقوق بشر ملت ایران ارتقاء یابد.»

توجه داشته باشیم که عبارت «حقوق بشر ملت ایران» یعنی حقوق بشر «بومی» و این تفاسیر نوین از اصالت دادن به انسان، روز اول اکتبر ۲۰۰۹، پس از مذاکرات هسته‌ای در ژنو از لیفه تنبان عموسام بیرون افتاده و بر آن اثر انگشتان مقدس ویلیام برنز که در سوگ جنگ نشسته به چشم می‌خورد. گویا «ویلیام سوگوار» زمانیکه به قول آخوند جنتی «کنار صندلی» جلیلی نشست «حقوق بشر ملت ایران» را به عنوان شاخ در جیب ایشان گذاشت که برای فروش به ملت ایران در ویتترین عبادی عرضه شود. همچنانکه جایزه نوبل صلح هم شاخی بود که محفل نوبل در جیب ما ملت گذاشت. ولی ایکاش حضرات به شاخ اکتفا می‌کردند! ابداً سازمان ناتو با این شاخ کوچولو به اهداف واقعی و بشردوستانه خود دست نخواهد یافت. به همین منظور رادیوفریدا قصد دارد «نرگسی نژاد» یا همان دختر «برادر» کلهر را به عنوان رزا لوکزامبورگ به ما بفروشد، و صدای آمریکا هم به پنجه‌بکس عسکراولادی، قداره‌بند و چاقوکش فدائیان اسلام متوسل شده.

البته باید اذعان کنیم که شاخ از چاقو و قمه خیلی بهتر است! ولی خوب هر سه «مردمی» و در خدمت اسلام‌اند، و سازمان ناتو دست از حکومت «مردمی» نخواهد شست. صورتبندی مطلوب این سازمان جنایتکار تداوم دور باطل «شیخ و شاه» یا همان گذار

اولی در زمینه حقوق بشر در چارچوب قوانین اسلام، و دومی جهت ممانعت از تهاجم نظامی و اعمال تحریم بین‌المللی علیه «مردم» ایران فعالیت دارد!

به عبارت دیگر کانون و شورای کذا دکان‌های شیادی و عوامفریبی محفل فاشیسم در ایران به شمار می‌رود و بجز جنجال و هیاهو و پوچ‌بافی جهت داغ کردن تنور حکومت و اربابان یانکی آن هیچ اهدافی را دنبال نمی‌کند. ایرانی نه نان می‌خواهد، نه مسکن و نه می‌خواهد از شر قوانین انسان‌ستیز صحرای عربستان خلاص شود. اساس «نظریه» مشعشعانه اوباش‌الله «حقوق بشر» دفاع از چارچوب‌های قرآن و نهج‌البلاغه و اوراد و آیات و قصص و قصاص و سنگسار است! البته در این راه اعضای دکان‌های عبادی همچون دیگر فعله فاشیسم فراموش نمی‌کنند که مرتباً بر طبل انسان‌ستیزی «مردم» و «خواست مردم» بکوبند، و از این طریق «انسان‌ستیزی» و جمع‌گرائی و گله‌پروری را در ترادف با دفاع از «حقوق بشر» قرار دهند! چرا که برای اینان و اربابان‌شان در غرب، بشر هیچ تفاوتی با گوسفند ندارد. اینان در ایران «بشر» را به عنوان انسان آزاد به رسمیت نمی‌شناسند، این دارودسته حاجیه عبادی و دوستان‌شان هستند که می‌باید «حقوق» داشته باشند، چرا که از فاشیسم یا همان «حقوق جمع» با پایمردی دفاع می‌کنند:



فروشگاه‌های زنجیره‌ای حقوق بشر، اپوزیسیون کاذب و مبارزان «ضدامپریاس» در جمکران را به سختی تلخ کرده، چرا که غم ارباب، مرگ نوکر است.

روز گذشته نیویورک تایمز که کارفرمایان‌اش از مدافعان تجهیز گورکن‌ها به سلاح اتمی به شمار می‌روند، آخرین فتوی خود را صادر کرده خواهان خروج ایران از توافقات ژنو شد! صدای آمریکا هم با ذوق و شوق فراوان هدیانات روزنامه کذا را منتشر کرد. ولی آنچه امروز در وین پیش آمد، آرزوهای طلائی تفنگ‌فروش‌های دو سوی آتلانتیک را نقش بر آب کرد. لب‌لوجه البرادعی هم آنچنان آویزان شده بود که به زمین می‌کشید. این خادم وفادار عموسام که پیشتر با پرونده‌سازی و توسل به دروغ زمینه تهاجم نظامی به عراق را فراهم آورده بود، اینبار نتوانست به شایستگی انجام وظیفه کند. ما این مصیبت بزرگ را به همه کفتاران حقوق بشر فروش که عراق و افغانستان را به ویرانه تبدیل کرده، و با نقض آشکار اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل افغان‌ها و عراقیان متقاضی پناهندگی را اخراج می‌کنند تسلیت می‌گوئیم، امیدواریم فجایع بیشتری نصیب‌شان شود.

**سر مست و پر نشاط**  
**آن پیک ناشناخته می‌خواندم بگوش**  
**کانجا که کار می‌شکند پشت بندگی**  
**رو کن به سوی عشق**  
**رو کن به چهره خندان زندگی**  
(نادر نادرپور)

از «حکومت دینی» به «فاشیسم بومی» است، که هر دو نوع این حکومت‌های توحش در گفتار و نوشتار مزدوران استعمار «جمهوری» خوانده شده! بی‌دلیل نیست که فاشیست‌ها جهت تکمیل حلقه شارلاتانیسم تشکلی نیز به نام «اتحاد جمهوریخواهان ایران» به راه انداخته‌اند و بیانیه‌های آنچنانی می‌صدورند و همچون آخوندها بر طبل «مشروعیت مردمی» می‌کوبند. ولی جالب اینجاست که بخش «کلیدی» بیانیه اتحاد کذا شباهت عجیبی به چرندیات عبادی، مزخرفات کدیور و منتظری و خصوصاً مهملات پاسدار شریعتمداری در کیهان یافته. اینجاست که می‌توان دریافت عبادی، اتحادیه کذا و پاسدار شریعتمداری و بقیه آبشخور مشترکی دارند، چرا که هر یک به دلیلی، مذاکرات ژنو و توافق‌های ناشی از آن را به زیر سؤال می‌برند.

پیشتر به این نکته اشاره کرده‌ایم باز هم می‌گوئیم، طبق قرارداد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که ایران هم آن را امضاء کرده، دولت ایران حق دارد از فناوری «صلح آمیز» هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم فقط با غلظت حدود ۵ درصد برخوردار شود. اما از دوران «سازندگی»، دولت جمکران تحت نظارت اربابان‌اش در غرب و به کمک چین و فرانسه مفاد «ان. پی. تی» را عملاً زیر پا گذاشته بود و در چارچوب همین سیاست پر سود ایالات متحد و شرکاء ضمن تهدید ملت ایران به تهاجم نظامی و اعمال تحریم‌های اقتصادی، به فروش تجهیزات «ممنوع» به این حکومت جهت مسلح کردن‌اش به سلاح هسته‌ای نیز ادامه می‌دادند. پایان این سیاست فریبکارانه اگر چه به مذاق یانکی‌ها خوش نیامده، ولی کام ریزه‌خواران‌شان در